

ضربه نهایی به عدالت آموزشی



زینب مزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

قصه این است که قرار بود با حذف کنکور و افزایش سهم امتحانات نهایی در گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها، تبعیض و بی‌عدالتی را در کنکور کاهش دهیم و امکان قبولی را به برابری نزدیک کنیم، اما نتیجه‌ای که عاید شده خلاف اینهاست؛ چراکه در سال‌های اخیر و با افزایش تاثیر سوابق تحصیلی، حواشی مختلفی پیش آمد و نشان داد که آموزش و پرورش از عهده مدیریت این حواشی برنمی‌آید. حواشی مثل تقلب در جلسات امتحان نهایی، از تقلب به شکل و سیاق قدیم گرفته تا شیوه‌های امروزی و به‌کار گرفتن میکروفون‌های ریز در زیر ماسک‌ها. این تنها یکی از چند حاشیه امتحانات نهایی و خطای فاحش مدیریتی آموزش و پرورش در برگزاری امتحانات نهایی است. یکی از چالش‌های دیگر، لو رفتن سوالات آزمون نهایی است. سال گذشته در کانال‌های مختلفی، پیش از برگزاری امتحانات نهایی یا حین برگزاری امتحان، سوالات برخی از امتحانات در کانال‌های تلگرامی باگذاری می‌شد. سوابق اینکه چگونه و از چه طریقی سوالات منتشر شد و منتشرکنندگان خود دانش‌آموزان بودند یا افرادی خارج از فضای آموزش و پرورش، اساسا لو رفتن سوالات امتحان نهایی که قرار بود بار کنکور را کم کند، مساله است.

امسال دقیقا همین ماجرا تکرار شد و باز هم به شکل عجیبی برخی سوالات امتحانات نهایی در دسترس کانال‌های تلگرامی قرار گرفته است. مشرق در گزارشی و با انتشار یک ویدئوی ارسال شده از سوی دنبال‌کنندگان خود، مدعی است که در ویدئوی منتشر شده، سوالات و پاسخ سوالات امتحانات نهایی در ده‌ها کانال بزرگ تلگرامی لو رفته که مطابق وب‌سایتی که به صورت آنلاین، ساعت و زمان لحظه‌ای را به نمایش می‌گذارد، از حدود ساعت ۷:۴۷ صبح، تنها چند دقیقه پس از شروع امتحان نهایی سراسری مدارس، سوالات و پاسخ‌ها لو رفته است. همان‌طور که اشاره شد، خرداد ماه ۱۴۲۲ نیز تنها چند دقیقه پس از برگزاری اولین امتحان نهایی، سوالات امتحان منتشر شد. نقدی که دانش‌آموزان در رابطه با انتشار و درز کردن آن دارند، این است که به همان شیوه‌ای که سوالات در اختیارشان قرار می‌گیرد، به همان شکل نیز پاسخ‌ها احتمال دارد به دست دانش‌آموزان در جلسات امتحان هم برسد.

با وجود اینکه ۲۶ اردیبهشت ماه، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش در نشست خبری از تمهیدات جدی این وزارتخانه برای برگزاری امتحانات نهایی گفته است اما همچنان این سوال مطرح است که اگر تمهیداتی مانند راکت، سیگنال‌یاب و دوربین مداربسته در حوزه‌های امتحانی وجود دارد، پس چرا باید مجددا شاهد لو رفتن سوالات امتحانات نهایی باشیم؟ البته که اجرا و ضمانت امنیت حوزه‌های نهایی برای وزارتخانه‌ای که از عهده صدور

کارت ورود به آزمون هم عاجز مانده بود، امری شبیه به شوخی است و با توجه به پیشینه عملکردش در همین چند هفته گذشته، نباید این اظهارات را جدی گرفت.

کنکور برای دانش‌آموزان هم نسل ما یک غول بود. توجه کنید! تنها یک غول بود. ولی ظاهرا با تاثیر سوابق تحصیلی بر کنکور، موانع رسیدن به دانشگاه به چندین غول در چند مرحله تبدیل شده‌اند که اگر در هر کدام از آنها موانع بر روند شما تاثیر بگذارد، در هر صورت نسبت به دانش‌آموزانی که شرایط بهتر دارند، باخته‌اید.

هرچند تصمیم اولیه تاثیر سوابق تحصیلی، تصمیم نادرستی نبود اما در دو سال گذشته، خیریتی که آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان در نظر گرفته بود، با بی‌تدبیری‌های خود این وزارتخانه مانند لو رفتن سوالات امتحان نهایی حالا به شری تبدیل شده که خود آموزش و پرورش درحال انکار آن است.

حالا دیگ حلیم را چگونه هم بزینم؟

القصد، امسال به جز لو رفتن سوالات امتحانات نهایی شاهد غیراستاندارد بودن سوالات نیز بودیم. در اقدامی غیرقابل باور یکی از سوالات امتحان نهایی علوم پایه نهم، آمده بود: «پخت حلیم در ایام محرم و ماه مبارک رمضان در بسیاری از استان‌های کشور مرسوم است. برای پخت و هم زدن حلیم در دیگ‌های بزرگ از کفگیرهایی با دسته‌های بلند استفاده می‌شود. توضیح دهید استفاده از این کفگیرها چگونه باعث راحتی کار می‌شود؟» به دنبال غیراستاندارد بودن این آزمون، ۸۶ هزار نفر کارزار اعتراض به امتحان نهایی علوم پایه نهم را امضا کرده‌اند و نه تنها دانش‌آموزان بلکه معلم‌ها هم به این شیوه از سوالات معترض بودند.

یک منبع آگاه در آموزش و پرورش در رابطه با کلیت تغییر الگوریتم سوالات امتحان نهایی به «فرهیختگان» می‌گوید: «نوع نگرش به سوالات تغییر کرده و حافظه‌محور نیست. در حوزه ابتدایی، سوالات عملکردی است و در متوسطه هم سوالات مفهومی است. دیگر اینگونه نیست که دانش‌آموزان یک متنی را حفظ کنند. شبیه‌سازی موقعیت، توصیف یک شرایط و به‌طور کل تحلیلی است و باید با توجه به اهداف آن کتاب درسی به موقعیت برسند.»

طرح سوالات مفهومی، نیازمند برخورداری از یک کیفیت آموزشی مناسب است. بدیهی است دانش‌آموز مدرسه دولتی که از حداقل‌های استانداردهای آموزشی برخوردار است، در این ماراتن بازنده خواهد بود و باز هم این نوع سوالات به نفع دانش‌آموز مدارس غیردولتی است؛ چراکه با توجه به کیفیت مناسب و کلاس‌های مختلف فوق‌العاده، امتحان نهایی را - با در نظر گرفتن تاثیر سوابق تحصیلی - یک کپیج خواهند دید و در این کپیج، طرح سوالات مفهومی را هم در نظر خواهند گرفت و برای تقویت قوه استدلالی دانش‌آموز، وقت خواهند گذاشت. در اینجا برای دانش‌آموز مدرسه دولتی احتمال قبولی و تاثیر نمرات

امتحانات نهایی ۵۰ درصد بود و حالا به ۳۰ درصد خواهد رسید. عدالت آموزشی که رهبر انقلاب در فرمایشات خود روی آن تاکید داشت، کجای ماجرا و سیاست جدید امتحانات نهایی است؟

کجای مسیر عدالت آموزشی قرار داریم؟

این منبع آگاه البته به «فرهیختگان» می‌گوید سال گذشته و پس از انتشار ارزیابی امتحانات نهایی، نمره مدارس غیردولتی از مدارس دولتی کمتر بود.

در پاسخ به این ادعا در ابتدا باید گفت که اگر این اتفاق صورت گرفته است، آموزش و پرورش باید به‌عنوان دستاورد خود موضوع را رسانه‌ای می‌کرد و دلیل غیررسمانه‌ای شدن آن را توضیح می‌داد. مساله بعدی این است که اساسا مساله عدالت آموزشی آنچه که روشن است، جلوگیری از ورود دانش‌آموزان از مساله عدالت آموزشی است. واقعیت این است که مجموعه حواشی پیش‌آمده درخصوص برگزاری امتحانات نهایی، دانش‌آموزان مدارس دولتی و خصوصا دانش‌آموزان مناطق محروم و کم‌برخوردار را فرستاده از صندلی برترین دانشگاه‌ها دور کرده است و عدالت آموزشی، چه در معنای عام و چه در معنای در اختیار گذاشتن فرصت برابر آموزش - حتی با سیاست‌های جدید امتحانات نهایی - اجرایی نشده است. به نظر می‌رسد که سیاست جدید، اگرچه با رویکردی مثبت سعی دارد در مسیر عدالت آموزشی گام بردارد اما ظاهرا نگاه آن است که رسیدن یا نرسیدن به قله یا اینکه دقیقا کجای مسیر هستیم، آفندرها هم اهمیتی ندارد.

کنکور تنها یک غول بود برای رسیدن به دانشگاه بود. هر دانش‌آموز در حد وسیع خود مانند جایگاه اجتماعی و جایگاه اقتصادی و البته هوش و ذکاوت شخصی‌اش، برای رسیدن به یکی از صندلی‌های دانشگاه‌های برتر تلاش می‌کرد. در طی این مسیر، مافیای کنکور با توجه به موقعیتی که پیش آمده بود، رشد کرده و توانسته بود جایگاه ویژه‌ای هم در میان دانش‌آموزان کنکوری پیدا کند.

تاثیر سوابق تحصیلی و بالا و پایین شدن این تاثیر، تلاش دانش‌آموزان در مسیر رسیدن به صندلی دانشگاه را تنها به کنکور محدود نکرد. البته که این فرصتی بود برای دانش‌آموزان، اما وزارت آموزش و پرورش با تغییر سیاست یا به قول خود تغییر الگوریتم طراحی سوالات امتحانات نهایی و بسنده نکردن به کتاب‌های آموزشی، مهر تاییدی بر طبقاتی بودن آموزش زد و نشان داد نه تنها در کنکور بلکه در امتحانات نهایی هم شایستگی ورود با کسانی است که مدارس استعداد‌های پنهان‌شان را کشف خواهد کرد و این دقیقا همان نقطه گشوده مدارس دولتی است که سال‌ها فعالان حوزه آموزش و پرورش آن را فریاد زدند. از این رو حواشی پیش‌آمده برای امتحانات نهایی، ما را از مسیر عدالت آموزشی مدنظر سیاست‌اصیل جمهوری اسلامی، دور خواهد کرد. است و آموزش و پرورش باید هر چه زودتر، فکری برای حل‌گره پیش‌آمده کند.

برو این دام بر مرغِ دگر نه



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

بعد از افتتاح مدیریتی وزیر سابق آموزش و پرورش و استاندار فعلی مازندران در پرداخت عیدی و معوقات معلمان و آن حواشی شب‌عید ۱۴۰۲ و استعفای نوری از وزارت، رضامراد صحرایی بر صندلی ساختمان شهید رجایی خیابان قرنی تکیه زد تا شاید دولت سیزدهم بتواند کمی در مسیر شعارهایی که در حوزه نظام آموزشی می‌داد پیشروی کند. منتها از همان ابتدا و با یک نگاه اجمالی به روزه صحرایی می‌شد فهمید که این امید، واقعی نیست یا حداقل این وزارتخانه عریض و طویل، کت‌کشادی به تن این وزیر خواهد بود اما خوب به هر شکل صحرایی رای اعتماد مجلس را گرفت و جایگزین نوری شد. برای روایت دوران وزارت صحرایی در آموزش و پرورش کار سختی پیش رویمان نیست. چند اظهار نظر و چند اتفاق خاص را همین‌طور پشت سر هم، بدون هیچ دخل و تصرفی اگر قطار کنیم، مخاطب دوزاری‌اش می‌افتد و به فحوا کلام پی‌می‌برد، پس با هم مرور می‌کنیم.

اگر بخواهید ماشین مدل بالا هم بخرید باید پول بیشتری بدهید!

اگر بخواهید ماشین مدل بالا هم بخرید باید پول بیشتری بدهید! این پاسخ رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش کشور به سوالی در ارتباط با مدارس غیردولتی خاص منسوب به چهره‌های سیاسی و متمول کشور است که شرایط خاصی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند و سبب بی‌عدالتی آموزشی هستند. صحرایی به جای اینکه مدافع مدارس دولتی باشد و پاسخگویی کیفیت نامطلوب آموزش و سطح پایین ارائه خدمات در این مدارس و در تلاش برای بهبود کیفیت مدارس دولتی، مدارس غیردولتی را هم‌تراز و حتی بهتر از دانشگاه‌های دولتی می‌داند و خدمات‌شان را هم تحسین می‌کند، با این استدلال: «اگر بخواهید ماشین مدل بالا هم بخرید باید پول بیشتری بدهید! خوب پس از لحاظ رویکردی تکلیف روشن است. مشخص است که صحرایی وزیر کدام نوع از آموزش و پرورش است.

صدور کارت امتحان نهایی هم کار سختی بود؟

از پله یوکره به اجرا برسیم هم صحرایی حرف خاصی برای گفتن ندارد. سطحی از معوقات معلمان که همچنان پابرجاست و اعتراضات به مدل رتبه‌بندی هم که سرچای خودش است. سوازی آن در موضوعات دیگری هم که بی‌پیدگی خاصی نداشتند و در اجرای آنها بی‌تجربه نبودیم، این دوره وزارتخانه دچار چالش شد. شاهد مثالش همین چند وقت اخیر در ماجرای برگزاری امتحانات نهایی چه چالش‌هایی که ایجاد شدند و چه اعتراضاتی که از سمت دانش‌آموزان و خانواده‌ها نشنیدیم. یکی از اینها ماجرای اختلال در سامانه دریافت کارت امتحانات نهایی بود. طبق مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی، امتحانات نهایی از اسامی در سه پایه دوره متوسطه دوم برگزار می‌شود که طبعاً این اتفاقات نگرانی و اضطراب از این امتحانات را برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها تا حد زیادی بالا می‌برد. در چنین شرایطی یک دفعه قبل از آزمون اختلالی در سامانه دریافت کارت امتحانات نهایی ایجاد می‌شود و بعضی از دانش‌آموزان نمی‌توانند کمی مانده به آزمون، کارت دریافت کنند. آموزش و پرورش هم به‌تازگی ابتدا سکوتمی‌کنند و سر آخر هم کار خاصی نمی‌کنند. دو اطلاعیه صادر می‌کنند و به جای حل سریع مشکل، همه برنامه‌ریزی‌ها را به هم می‌زند و بالکل زمان آزمون را تغییر می‌دهد. به همین سادگی با روح و روان و برنامه‌ریزی دانش‌آموزان بازی می‌کند. آن هم در امتحاناتی که تاثیر قطعی در کنکور دارند. به چه دلیلی؟ ضعف زیرساختی!

برای همه سخت بود یا فقط برای بعضی‌ها؟

بعد از ناتوانی در صدور کارت امتحان نهایی دانش‌آموزان نوبت به خود آزمون‌ها رسید و کارزار که در یوز به چشم خورد. دانش‌آموزان، خانواده‌ها و حتی بعضی معلم‌ها، به شدت نسبت به سختی و نوع سوالات آزمون درس علوم پایه نهم اعتراض داشتند و به همین خاطر کارزار اعتراضی به راه انداختند که تا لحظه نگارش این متن، حدود ۹۰ هزار نفر آن را امضا کرده‌اند. ماجرا از چه قرار است؟ گویا روز یکشنبه ۶ خرداد ماه بعد از برگزاری آزمون علوم پایه، نهمی‌ها که امسال در کنار دهم، یازدهم و دوازدهمی‌ها در درس علوم، ریاضی و ادبیات امتحان نهایی دارند، نسبت به سختی امتحان اعتراض داشتند. به اذعان آنها سوالات طرح‌شده هم سخت بود، هم ایراد داشت، هم متفاوت از قبل بود و چیزهای دیگر. این فقط ایراد دانش‌آموزان هم نبود، معلمان هم ایرادات جدی به آزمون داشتند و اعتراضاتی کردند. خیلی از معلمان می‌گویند کاش از قبل اطلاعی از مدل آزمون داشتند تا متناسب با این مدل پرسش، متد تدریس‌شان را تنظیم می‌کردند که شوکه نشوند. رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش در واکنش به این اعتراضات گفته: «تشخیص میزان دشواری سوالات فعلا امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان براساس نظرات افراد مدعی شد سوالات دشوار است. پس از اعلام نتایج امتحانات هماهنگ کشوری پایه نهم می‌توانیم درباره دشواری سوالات اظهار نظر کنیم». به هر شکل انگار حاشیه‌های آزمون‌های نهایی پایان ندارد و ما باید هر روز منتظر یک شگفتانه از سمت آموزش و پرورش باشیم.

چرا دست و پاتان را کم کردید؟

راستش را بخواهید همین‌هایی که نوشتم، برای بیچیدن نسخه کارآمدی آموزش و پرورش تحت هدایت صحرایی کفایت می‌کند. اما خوب از این بدترش این می‌شود که همین‌ها گمان می‌کنند ما سرآمد سیستم‌های آموزشی در دنیاسیم و بقیه باید به ما اقتدا کنند. همین آقای صحرایی اردیبهشت ماه امسال در مراسم نماز جمعه تهران گفت: «ما در آستانه الگو شدن برای جهان هستیم، ما به قله نزدیک شده‌ایم.» برای رد این توهم و نزدیک‌تر شدن به واقعیت، بد نیست به رتبه ایران در آزمون‌های تیمز و پرلز نگاه کنیم یا مدلا بیشتر در حوزه زیرساختی عمیق شویم و ببینیم در حال حاضر حدود ۱۹ درصد مدارس کنکور نیازمند مقاوم‌سازی و تخریب و بازسازی هستند و هم‌اکنون حدود ۳ میلیون دانش‌آموز در مدارس تخریبی در حال تحصیل هستند و...

حالا باید خطاب به تصمیم‌گیران و مسببان وضع موجود گفت که فرار از ناکارآمدی یا نزدیک شدن به عدالت آموزشی و... یک شبه رخ نمی‌دهد، همان‌طور که وضع موجود یک شبه ایجاد نشده است. اینکه بی‌توجه به زیرساخت‌ها تصمیم‌گیری کنیم یا دانش‌آموزان و معلمان را سر آزمون غافلگیر کنیم و فکر کنیم الان موسسات آموزشی را این‌طور آنچه کرده‌ایم و این‌طور اتفاقات، نه‌تنها کار خاصی نکرده‌ایم که اتفاقا اعتماد نسبت به نظام آموزشی را بیش از پیش زیر سوال می‌بریم.

تحول بدون مشارکت امکان‌پذیر نیست



مصطفی غفاری
جامعه‌شناس

کیفیت و کمیت برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم در دو مرحله، نوعی دغدغه ملی ایجاد کرد که موج‌سازی یا موج‌سواری تخریبی رسانه‌ای، بر درک منافع ملی و دنبال کردن آن غلبه کند. چه کسانی که در انتخابات شرکت کرده بودند و چه آنها که به هر دلیل کناره گرفته بودند، از نتایج انتخابات تا حدی شگفت‌زده بودند؛ و چه بسا نگران از اینکه تندروی بر سیاست‌ورزی در خانه ملت سایه بیندازد و منافع ملی را به حاشیه ببرد. بر این اساس، حتی در برخی لایه‌ها فشارهایی شکل گرفت تا چهره‌های سیاسی ملی مثل قالیباف این صحنه پر مخاطره را ترک کنند و عطایا کنشگری در این میدان را به لقایش ببخشند. چه بسا همین وضعیت، کورسوهای امید اجتماعی را کم‌فروغ‌تر هم می‌کرد، پس از رخداد تلخ پرواز اردیبهشت و خالی شدن یک رکن بزرگ حکمرانی از خدمتگزاران شایسته و مردمی، شرایط نامطمئن‌تر به نظر می‌رسید و همین موجب شد دغدغه ملی نسبت به روند‌های سیاسی در کشور شدت بگیرد. در این شرایط،

فضای عمومی کشور در پس سوگواری، نیازمند خبرهای خوب بود. گام اول آرامش بخش را مردمی برداشتند که در تشییع جنازه پرسکوه رئیس‌جمهور فقید شرکت کردند؛ حتی آنهایی که الزاما در انتخابات مشارکت نکرده بودند یا گزینه منتخب‌شان مرحوم آقای رئیسی نبود. گام دوم صدادی بود که دیروز از خانه ملت به گوش رسید. انتخاب هیات‌رئیس مجلس دوازدهم نشان داد نمایندگان مردم حاشیه‌سازی و قطعی‌سازی رسانه‌ای را با سیاست‌ورزی ملی اشتباه نمی‌گیرند، بلکه با درک شرایط ویژه کشور، براساس دغدغه‌های ملی تصمیم می‌گیرند. رای‌گیری ۸ خرداد نشان داد که درست در فاصله یک‌ماه تا انتخابات، وزن و عیار تندروها چقدر است. بر این اساس می‌توان گفت از عرصه سیاسی نشانه‌هایی صادر شده که نشان می‌دهد هیاهوی رسانه‌ای در سطح ملی و در شرایط ویژه ملی خریدار ندارد. در این شرایط هم کنشگران سیاسی و هم عامه مردم می‌توانند با آرامش بیشتری برای میدان ملی ۲۸ تیر آماده شوند. امیدها به اینکه رقابت انتخاباتی براساس ایده‌ها و برنامه‌ها و کارنامه‌ها شکل بگیرد، زنده شده است. این در حالی است که جامعه ایرانی در طول پنج سال گذشته در کنار تجربه‌های جمعی فرافروزشیپ، زخم‌هایی برداشته

است. اگر جامعه روش‌های حکمرانی را مسبب این وضعیت نداند، دست‌کم انتظار دارد که این زخم‌ها با تدابیر نظام حکمرانی ترمیم شوند. در این میانه، کاری‌ترین زخم همانی است که رهبر انقلاب در سخنرانی ابتدای سال ۱۴۰۳ «عقب‌ماندگی در همدلی اجتماعی» خواندند و حتی به شریک بودن در غفلت و اختلال در این زمینه اشاره کردند. پس هیچ مقام دیگری نمی‌تواند خودش را از شرکت در ایجاد یا تداوم این وضع میرا بداند. از آن سو، تعیین‌کننده‌ترین میدان برای تصحیح مسیر حکمرانی انتخابات است. اگر دنبال تحول هستیم، بدون مشارکت مردم از درپچه انتخابات امکان‌پذیر نیست. مشارکت مردم نیز در گرو تقویت احساس اثر بخشی در سطح سیاست ملی است؛ جامعه و دولت در این زمینه به واسطه کنش‌های شان با هم گفت‌وگو می‌کنند و پیام می‌دهند. درد گامی که در این نوشتار فشرده به آن اشاره شد، امیدآفرین است. اما هر جوانه امیدی نیاز به مراقبت دارد. انتظار می‌رود گام‌های بعدی از سوی نهادها و کنشگران دیگر در فرآیند انتخابات نیز به فراموش شدن زمینه برای رقابتی سالم و جدی کمک کند تا منافع آن عاید کشور و مردم شود. امری که در پرتو مفاهیم - رقابت است که احیا می‌شود، نه منازعه - خصوصت،